

زندگی در دشت‌های مرکزی ایران که در هزارهٔ اخیر اغلب از کویرهای خشک با گرمای تابستانی زیاد تشکیل شده، فاقد توجهات متعارف برای سکونت است. ندرت آب و اقلیم سخت برای مردمی که معیشت آنها وابسته به زمین است، جاذبه‌ای برای ساخت شهر و روستا ندارد. اما شهرهای بزرگی همچون یزد، کاشان، سمنان، دامغان، بیرجند، زابل، بم و کرمان در اطراف کویرهای مرکزی ایران برپا شده‌اند که صدها شهر کوچکتر و بسیار روستاهای وابسته را در اطراف خود دارند. پاره‌ای از این آبادی‌ها که به دلایل امنیتی و تجاری بر سر راه‌های تاریخی پدید آمده بودند، نیز در گذر زمان و هزارهٔ اخیر که اقلیم این منطقه به خشکی گرائید، جمعیت بیشتری گرفتند. در حالی که زندگی گذشتگان که بسیار وابسته‌تر از امروز به وضع طبیعت بود، مانعی برای کوچ و سکونت در مناطق برخوردار نداشت. مردمان این نواحی برای سازگاری با تغییر اقلیم و تداوم حیات خود به بهره‌گیری از فنونی پرداختند که تدریجاً عنصر اصلی منظر زندگی آنان شد؛ قنات شاید، مهم‌ترین آنها باشد.

تاریخ قنات را به اساطیر ایرانی نسبت می‌دهند. قنات، فن انتقال آب زیرسطحی به سطح زمین بدون بهره‌گیری از انرژی است. کوره‌های شیبدار میان مظهر قنات تا مخزن آب در زیرزمین حفر می‌شود و آب در شیب ملایم کوره به سمت بیرون جریان می‌یابد. شیب کمتر کوره نسبت به سطح زمین، در محل تقاطع آنها، مظهر قنات را پدید می‌آورد. فقدان آب‌های جاری در اقلیم خشک، قنات را در اهمیت فوق‌العاده‌ای در جامعه قرار می‌دهد. همهٔ حیات روستا و شهر به آن وابسته می‌شود. لذا مشاغل مرتبط با قنات، همچون مقنی و میراب از ارج و مقام بالایی اجتماعی برخوردار می‌شوند. حفاظت آب و مسیر قنات، در زمرهٔ قواعد اخلاقی قرار می‌گیرد که آلوده کردن یا آسیب آن گناه است. خدمات بهره‌وری قنات همچون ایجاد روشنایی در مظهر و حوضچه‌های فرعی برای استفاده شست‌وشو سنت خیرین می‌شود. اسامی مرتبط با قنات همچون مقنی‌زاده و قناتی به مثابهٔ نمود شأن اجتماعی بر حرفه‌مندان وابسته گذارده می‌شود. فرهنگ احداث قنات، نماد عمل صالح و باقیات صالحات از سوی ثروتمندان و حاکمان رایج می‌شود.

این همه سنت‌ها و فرهنگ‌هایی که در ارتباط با قنات پدید می‌آید، حاکی از وجود «بسته مفهومی» مرتبط با قنات در ذهن ایرانیان کویرنشین است. «مفهوم» قنات، همچون مخزن آن، سرشار از معنایی است که در طول قرون در ارتباط با کارکرد و نقش حیاتی آن در زندگی اهالی مرکزی سرزمین ایران به وجود آمده؛ هریک از معناها در محیط بیرونی ذیل صورتی انعکاس یافته که امروزه «نمود» آن خوانده می‌شود. رشته‌چاه‌هایی که به کوره قنات می‌رسند تا خاک کوره را در زمان حفاری تخلیه کنند و هوا را به مقنی کوره برسانند، مهم‌ترین نمود «مفهوم» پیچیده قنات است. حلقه‌هایی ساخته‌شده از خاک کوره که گرداگرد دهانهٔ چاه ریخته شده تا هم از ورود آب‌های سطحی به قنات و تخریب آن جلوگیری کند و هم نشانه خطر باشد برای جلوگیری از سقوط به درون چاه. تصویر رشته‌چاه‌های قنات عنصر جدانشدنی از مفهوم حیات در فلات مرکزی ایران است. صورت بدیعی در کویر که همچون «ردّ حیات» از تکاپوی انسان‌ها در طول قرن‌ها برای بقا حکایت می‌کند. عکس روی جلد اثر مرحوم «گئورگ گریستر» است که در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶ م.) بر فراز قنات‌های یزد عکاسی شده است. وی در شرح عکس خود نوشته است: «درحالی‌که بر فراز ایران سفر می‌کردم، به این فکر بودم که مناظر فرهنگی و طبیعی سرزمین پارس با بیابان‌های نمکی و باغ‌های بهشتی‌اش برای تماشا از آسمان آفریده شده‌اند. آبادی‌هایش با قنات‌ها و آبراه‌های زیرزمینی‌اش مثال بارز معماری بدون معمار هستند». این عکس بازنمایی مداخلهٔ آهنگین پیشینیان ماست در دل صحرایی که به ظاهر خالی است. اما ردّ حیات از غوغایی که در زیر زمین نهفته حکایت می‌کند. این عکس به لطف فرزند ایشان خانم Anya v. Schweinitz-Calonder که مدیریت مؤسسه Georg Gerster Air Photography را برعهده دارد به پاس علاقهٔ پدر ایشان به سرزمین ایران برای چاپ در اختیار مجلهٔ منظر قرار گرفته است. از ایشان سپاسگزاریم.

سیدامیر منصوری
amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوهٔ ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۹). قنات، ردّ حیات. منظر، ۱۲(۵۳)، ۳.

DOI: 10.22034/manzar.2020.120516
URL: http://www.manzar-sj.com/article_120516.html

